

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ویراستاری و ارسال: نسرين معروفی
۰۴ فبروری ۲۰۲۳

در بزرگداشت امیلکار کابرال، رهبر آزادیخواه و مارکسیست افریقائی



امیلکار کابرال رهبر آزادیخواه و مارکسیست افریقائی، پنجاه سال پیش به دست مأموران استعمار پرتغال

به قتل رسید

نیم قرن پیش، در ۲۰ جنوری ۱۹۷۳، امیلکار کابرال، رهبر برجسته جنبش رهاییبخش ملی، در کناکری در گینه، به دست مأموران استعماری به نیابت از دولت فاشیستی پرتغال به قتل رسید.

جنایتی که تنفر شدید و خشم سراسری جامعه متری را برانگیخت. ملل متحد، سازمان وحدت افریقا و دولت‌ها، احزاب و شخصیت‌های گوناگون از سراسر دنیا این اقدام پست استعمار پرتغال را محکوم کردند.

حزب کمونیست پرتغال که آن زمان در پرتغال فعالیت زیرزمینی داشت، اظهار کرد، گرچه حزب افریقائی برای استقلال گینه-بیسائو و کیپ ورده (PAIGC) و کل جنبش رهاییبخش ملی، یک رهبر بی‌نظیر را از دست داده است، اما اهداف استعمارگرانی که این فرمان را صادر کردند، تحقق نیافته است و افزود کاملاً اطمینان دارد مبارزه‌ای که کابرال برایش جانفشانی کرد تا نبرد نهائی ادامه خواهد یافت.

حزب کمونیست پرتغال به مناسبت ادای احترام به این میهن‌دوست پرشور نوشت: «او تماماً خود را وقف مبارزات رهاییبخش مردمش کرد. او رهبری بود که پیوسته در راه ساختمان جامعه‌ای متری در میهن خود پیشرو و ثابت قدم بود، کسی بود که در مقابل دشمن استعمارگر پرتغال سازش‌ناپذیر بود، کسی که دوست صمیمی مردم پرتغال بود و همیشه آنان را متحد خود علیه دشمن مشترک می‌دید. حزب کمونیست پرتغال بار دیگر بر تعهد خود به حزب

PAIGC و همبستگی با مردم گینه-بیسائو و کیپ ورده و حمایت برادرانه کمونیست‌های پرتغال در هر شرایطی تأکید ورزید.

نمی‌توانید مبارزه را بکشید

ترور کابرال نتوانست استقلال مردم گینه و کیپ ورد را از بین ببرد PAIGC به جنگ در جبهه‌های مختلف ادامه داد و مبارزه مسلحانه را تشدید کرد و به پیروزی‌های چشمگیری علیه ارتش استعماری نایل آمد.

در جولای ۱۹۷۳، دومین کنگره (PAIGC) اریستیدی پیرا را به عنوان دبیرکل حزب انتخاب کرد. در ۲۴ سپتمبر، مجلس ملی خلق، در جلسه منطقه آزاد شده بوئه در بخش شرقی گینه بیسائو تأسیس کشور گینه-بیسائو را اعلام کرد - اکثر کشورهای عضو ملل متحد بلافاصله این جمهوری جوان را به رسمیت شناختند. [واشینگتن یک سال بعد، پس از تشکیل دولت جدید پرتغال، کینه-بیسائو را به رسمیت شناخت - ورکرز ورلد]

با شکست سنگین سیاسی، نظامی و دیپلماتیک در گینه بیسائو، موزامبیک و آنگولا، و ظهور مبارزات کارگران و مردم در پرتغال، استعمار فاشیستی پرتغال در آستانه مرگ قرار داشت. در ۲۵ اپریل ۱۹۷۴ - پانزده ماه پس از قتل کابرال - جنبش نیروهای مسلح (ام اف آ) دیکتاتوری پرتغال را سرنگون کرد. خیزش نظامی و به دنبال آن جنبش مردمی زمینه‌های انقلاب اپریل را فراهم ساخت. [این انقلاب که «انقلاب میخک» نام گرفت، ریشه عمیقی در جنبش کارگری پرتغال داشت - ورکرز ورلد]

در پی مذاکرات میان مقامات دولت جدید پرتغال و حزب (PAIGC)، در الجزایر در ماه اگست توافقی به امضاء رسید که در آن پرتغال گینه بیسائو را به رسمیت شناخت و به حق خودمختاری و استقلال مردم کیپ ورده مهر تأیید گذاشت. دولت پرتغال در ۱۰ سپتمبر ۱۹۷۴ استقلال گینه بیسائو و در جولای ۱۹۷۵ استقلال کیپ ورده را قانوناً به رسمیت شناخت.

مردم دو کشور کابرال را قهرمان ملی و بنیانگذار استقلال خود خواندند.

هیچ چیز نمی‌تواند مارش تاریخ را متوقف کند

کابرال در ۱۲ سپتمبر ۱۹۲۴ از پدر و مادری اهل کیپ ورده در شهر بافا تا که آن زمان مستعمره گینه بود، به دنیا آمد. سال‌ها بعد خانواده او به جزیره سانتیاگو در کیپ ورده نقل مکان کرد و امیلکار در آنجا مدرسه ابتدائی را به پایان رساند. بین سال‌های ۱۹۳۸ تا ۱۹۴۴ میلادی او وارد دبیرستان سائو وینسنت شد. او دانش‌آموزی درخشان و با استعداد بود و به ابتکارهای فرهنگی دست زد، شعر می‌نوشت، رئیس انجمن مدرسه بود و فوتبال بازی می‌کرد.

کابرال در سال ۱۹۴۵ با بورسیه به پرتغال رفت و در انستیتوت کشاورزی لیسبون ثبت‌نام کرد. در فضای پساجنگ جهانی دوم، با شکست فاشیسم نازی و اعتبار روزافزون اتحاد شوروی و سر برآوردن مبارزات رهاییبخش در آسیا، امریکای لاتین و آفریقا، کابرال به مطالعه پرداخت و با جوانان پرتگالی و آفریقائی نشست و برخاست داشت.

در میان همقطاران می‌توان از جمله از افراد زیر یاد کرد: آگوستینو نتو، ماریو د اندراده و لوسیو لارا از آنگولا؛ مارسلیو دوس سانتوس و نومیو د سوسا، از موزامبیک؛ آداد اسپیریئو سانتو، از سائوتومه و پرنسیپه؛ واسکو کابرال، از گینه. کابرال در فعالیت‌های خانه دانشجویان مشارکت داشت و مرکز مطالعات آفریقا را تأسیس کرد، کلاس‌های سوادآموزی کارگران را به راه انداخت، علیه ظهور ناتو تظاهرات کرد و در جنبش جوانان دمکرات (ام یو دی) که مخالف دیکتاتوری فاشیستی بود، فعالانه شرکت داشت.



او پس از اتمام دانشگاه با نمرات عالی در سال ۱۹۵۲ ترجیح داد برای اداره کشاورزی و جنگلبانی گینه کار کند. او به عنوان مهندس کشاورزی در چند مسئولیت در مستعمره آن روزی و مدیریت آمار کشاورزی کار کرد و به تعمیق دانش خود از واقعیت موجود افزود. در سال ۱۹۵۴، او کوشید یک انجمن تفریحی و ورزشی در بیسائو ایجاد کند، اما مقامات استعماری آنرا اقدامی خرابکارانه خواندند، آنرا ممنوع و وی را مجبور به جلای وطن خود کردند.

کابرال بانی جنبش رهاییبخش

کابرال برای کار و زندگی به پرتغال و آنگولا رفت - جایی که او همراه با دیگر میهندوستان جنبش خلق برای آزادی آنگولا (مپلا) را تشکیل دادند - و سفرهای کوتاهی به گینه می‌کرد. در یکی از این سفرها در ۱۹ سپتمبر ۱۹۵۶، او همراه با دیگر میهن‌دوستان حزب استقلال افریقا در بیسائو را بنیان گذاشت که بعداً به حزب (PAIGC) تبدیل شد. در جنوری ۱۹۶۰ او لیسبون را برای همیشه ترک کرد و در ماه مه رهبری این حزب را در گناکری [یکی از مستعمرات پیشین فرانسه هم‌مرز با گینه بیسائو] هماهنگ کرد.

از آن پس، کابرال و همراهانش، از جمله برادرش لوئیس کابرال و آرسنیدس پریرا، که نخستین رئیس‌جمهور گینه بیسائو و کیپ ورده شد، شرایط را برای مبارزه پیش رو مهیا می‌کردند. ابتداء او بار دیگر کوشید راهحل مسالمت‌آمیزی برای از میان برداشتن تسلط استعماری بر این دو سرزمین بیابد. در اول دسمبر ۱۹۶۰ حزب یادداشتی برای مذاکره درباره استقلال به دولت پرتغال فرستاد. ولی پاسخی دریافت نکرد.

به این ترتیب وقتی حزب (PAIGC) با دیکتاتوری فاشیستی و استعماری پرتغال و از سوی دیگر با گسترش مبارزه سیاسی و افزایش حمایت بین‌المللی روبه‌رو می‌شود، در ۲۳ جنوری ۱۹۶۳ با حمله به پادگان نظامی تپته در جنوب، مبارزه مسلحانه را برای آزادی ملی در گینه آغاز می‌کند.

از آن پس مبارزه حزب پیوسته در همه ابعاد سیاسی، نظامی و دیپلماتیک با پیروزی‌های پی در پی، که با مبارزه آزادبخش با مپلا که مبارزه مسلحانه در آنگولا را از سال ۱۹۶۱، و نیز فرلیمو که «جنبش مسلحانه خلق» را در ۱۹۶۴ در موزامبیک آغاز کرده بودند، پیش رفت.



استعمارگران نومیدانه کوشیدند با قتل آمیلکار کابرال مانع پیشروی‌های حزب شوند - به ویژه در جاهایی که در دولت ملی گینه بیسائو برای نخستین بار در تاریخ، مناطق آزاد اعلام شده بودند.

چند روز پیش از مرگش، رهبر حزب در پیام سال نو به رزمندگان حزبی در سال ۱۹۷۳ هشدار داد که «وضعیت پرتغال به سرعت رو به وخامت است و مردم پرتغال به طور فزاینده‌ای مخالفت خود را با جنگ جنایتکارانه استعماری اظهار می‌دارند.» و به همین دلیل، «دولت استعماری فاشیستی و مأموران آن‌ها در سرزمین ما عجله دارند ببینند که آیا می‌توانند وضعیت را، قبل از این‌که کاملاً کار به شکست بکشد، تغییر دهند.»

در باره آینده، کابرال پیش‌بینی می‌کند: «آن‌ها وقت خود را تلف می‌کنند و بیهوده زندگی جوانان پرتغالی را با فرستادن آن‌ها به جنگ بر باد می‌دهند. آن‌ها علیه مردم ما دست به جنایات دیگری هم خواهند زد؛ آن‌ها می‌کوشند حزب ما و جنبش ما را نابود کنند. آنان مطمئناً به کشورهای همسایه ما نیز بی‌شرمانه تجاوز خواهند کرد. اما همه این‌ها عبث است. چون هیچ جنایتی، هیچ نیروئی، هیچ ترفندی، هیچ تزویری از سوی تجاوزگران استعمار پرتغال نمی‌تواند مارش تاریخ، مارش غیرقابل بازگشت مردم افریقائی گینه و کیپ ورده را به سوی استقلال، صلح، و پیشرفت واقعی که مستحق آن هستند، متوقف کند.»

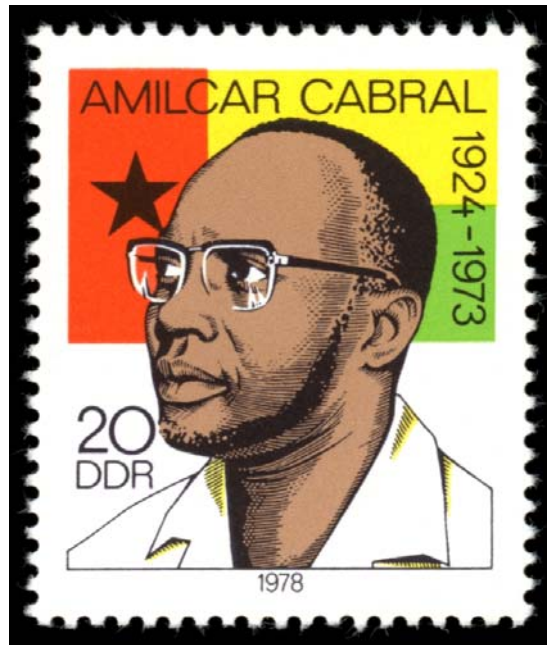
کمک ارزشمند به مبارزات مردم

قتل کابرال اولین اقدام استعمارگران پرتغالی و خادمان آن‌ها برای نابودی حزب (PAIGC) و مبارزات رهائی ملی و اجتماعی مردم گینه بیسائو و کیپ ورده، نبود.

کمتر از یک سال پیش از مرگ خود، کابرال یادآور شد که در سال‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی وقتی حزب تأسیس و تحکیم شد، «جنایتکاران استعمار پرتغال و دیگر دشمنان مردم ما برای ایجاد اغتشاش در جنبش ما، در خارج از سرزمین‌های ما جنبش‌های دروغینی به وجود آوردند تا راه مارش پیروزمند حزب ما را سد کنند.» دبیرکل حزب اظهار کرد که طی سالیان دراز «استعمارگران جنایتکار پرتغال از هیچ فرصتی برای تخریب یا تطمیع رهبران و اعضای رسمی حزب فروگذار نکردند.»

علاوه بر رشوه و به کارگیری خائنان نفوذی، آن‌ها از کارزارهائی مبنی بر نژادپرستی، «قبیله‌گرایی» و تفاوت‌های مذهبی برای پاشیدن بذر نفاق در صفوف حزب و شکستن وحدت درونی آن به منظور «نابود کردن حزب (PAIGC)

از درون»، نیز استفاده کردند. آن‌ها همواره نقشه‌های دستگیری یا قتل رهبران حزب به ویژه دبیرکل آن را در سر داشتند، زیرا معتقد بودند که دستگیری یا قتل رهبر اصلی به معنای پایان حزب و مبارزه است. در نومبر ۱۹۷۲ از بین بردن رهبر حزب (PAIGC) هدف اصلی استعمارگران پرتگالی و پادوهای آنان در حمله به جمهوری گینه در عملیات ناکام دریای سبز (Mar Verde) «مار ورده»، در بالاترین سطح دولت استعماری فاشیستی پرتگال سازماندهی شد. استعمارگران فاشیست هرگز فکر جدا کردن رهبر حزب (PAIGC) را از سر بیرون نکردند تا این‌که به طور فزاینده‌ای رهبر آن‌را در ۲۰ جنوری ۱۹۷۳، در تلاش برای متوقف کردن مبارزه مردم گینه بیسائو و کیپ ورده برای کسب آزادی از بین بردند. اما آن‌طور که تاریخ نشان داده است، تلاش آن‌ها بیهوده بود.



تکت پوستی یادبود امیلکار کابرال در جمهوری دموکراتیک المان - ۱۹۷۸

امروز، میراث امیلکار کابرال، انقلابی، میهن‌دوست و انترناسیونالیست کمک شایانی به مبارزه مردم برای آزادی، خودمختاری، استقلال و ترقی اجتماعی است و همچنین میراث همه کسانی‌ست که علیه فاشیست‌ها و استعمارگران پرتگالی مبارزه کردند.

* - * - نویسنده این مقاله، عضو سابق هیأت دبیران حزب آفریقانی برای استقلال گینه بیسائو و کیپ ورده (paigc)، مسایل آفریقا را برای نشریه آوانته، روزنامه حزب کمونیست پرتگال، نوشته است. ترجمه به انگلیسی از جان کاتالینوتو

برگرفته از: ورکرز ورلد Workers World

نویسنده: کارلوس لویز پریرا*

برگردان: تارنگاشت عدالت- شنبه، ۰۸ بهمن - دلو - ۱۴۰۱

منتشر شده در تاریخ: ۲۰ جنوری ۲۰۲۳